



چهارشنبه ۲۴ بهمن ۱۳۹۷ • شماره ۱۲۵۹

حدیث روز

پیامبر اکرم (ص): با مرگ انسان، رشته عملش قطع می شود مگر از سه چیز: صدقه جاری (و ماندگار)، دانشی که مردم از آن بهره مند شوندو فرزند نیکو کاری که برایش دعا کند. میزان الحکمه

ذکر روز چهارشنبه

صدمرتبه «یا حی یا قیوم»

در محضر بزرگان

گوشه نشینی با معاشرت بیهوده فرق دارد

مرحوم علامه طباطبایی می فرمودند:

گوشه نشینی ملازم با معرفت نیست، ولی کسی که می خواهد اهل معرفت شود باید معاشرتش را به خصوص با اهل غفلت و اهل دنیا کم کند و فرش هر مجلسی نباشد و کار شبانه روزی او در مجالس بیهوده صرف نشود، از معاشرت های بی فایده و بی مغز تا می تواند اجتناب کند و طوری نشود که با همه و در هر مجلسی حاضر شود.

پایگاه خبری شفقنا

بریده کتاب

عشق بدون توقع

اگر ما شایستگی ای برای دوست داشتن نداریم، شاید به خاطر آن است که خواهانیم تا دوست مان بدارند. یعنی از دیگری چیزی (عشق) را انتظار داریم، به جای آن که بدون ادعا و توقع به سویی برویم و تنها خواستار حضورش باشیم.

«بار هستی» اثر میلان کوندرا

ریشه ضرب المثل

فلنگ را بستن

امروزه به معنای «در رفتن» و «فرار کردن سریع» به کار می رود. برخی اعتقاد دارند که این واژه در اصل «fling» انگلیسی به معنای سریع بیرون رفتن است. البته در فرهنگ دهخدا به معنای نوعی تیر است که بسیار تیزرو بوده است. فرخی نیز می گوید:

به کوه بر شد و اندر نهاله که بنشست

فلنگ پیش به زه کرد همچو چرخ به چنگ

قرار مدار

روز تصریف کردن لطیفه
امروز برای دوستان یا
اعضای خانواده یا
همکاران تون موقت یا مزه
تصریف کنید، متی اگه یه
لبفند روی لب دیگران
بیازین کار بزرگی کردین...



اندکی صبر

باور کن مرا

مریم بهروان

عشق را در که جست و جو کنم؟
 وقتی که تو
 برای من
 به اندازه تمام نفس هایم
 کافی هستی...

دنیا به روایت تصویر



گتی ایمیج | حباب بازی گردشگران در غروب، ایتالیا

سه نقطه



اف. سی. خانجون چهارشنبه

والیوال!

مهرشادمرتضوی | طنزپرداز

ننه جان چشمت روز بد نبینه، یعنی از اون روزی که این گربه هه پرید تو زمین چمن، همش کابوس می دیدم یه گربه سیاه بالای سر مه، میومو می کنه، پیهو تبدیل میشه به رئیس قدراسیون، از مسابقات محروم می کنه، بعد یه گربه دیگه میاد، تبدیل میشه به رئیس کنفدراسیون، به اون گربه اولیه اعتراض می کنه و کل فوتبال کشورو محروم می کنه، آخرشم همه کاسه کوزه هاسرمن می شکنه، تو این سن و سال باید فحش و فضیحت مردم رو به جون بخرم. دیگه دیدم این طوری نمیشه. برگشتم برم توهمون گوشه دنج سالن ورزش قهرمانی رو ادامه بدم. چشمم هم که از فوتبال ترسیده بود، رفتم سراغ والیوال! چیه؟ نصف مربیای لیگ بهش میگن والیوال، حالا شما واسه من ایراد گیر شدین؟ آدم با بزرگ ترش این طوری حرف می زنه؟ در بیارم دمپایی رو؟ گرچه جونای این نسل از دمپایی هم نمی ترسن! قدیم همین دمپایی حرمت داشت، در می آوردن ما تا سه تا کوزه اون ورتر با حفظ شئون می دودیدیم.

بگذریم. رفتم سراغ والیوال. مر بیه اول گفت: «مادر جان چه پستی دوست داری؟» گفتم: «پست اینستاگرام با ۲۰۰ کالایک.» گفت: «نه، پست والیوال (دیدین خودشم گفت والیوال؟» به کم فکر کردم و گفتم: «خب چی دارین؟» نگاهی به سر تا پایم انداخت و گفت: «شما که سن و سال و فیزیکت به بازی روی تور نمی خوره. بیا لیبرو شو.» پرسیدم: «چی هست؟» توضیح داد: «یعنی ته زمین وایمیستی، توپای اول که اومد جمع می کنی پاس میدی به بقیه.» گفتم: «من تو خونه مدام اسباب بازی نوه نتیجه هام رو جمع می کنم، این جا هم بیام توپای شمارو جمع کنم؟» یه مقدار فکر کرد و جواب داد: «رنگ لباست با بقیه بازیکنان فرق داره ها!» دیگه این شد که قانع شدم و رفتم تو تیم. ولی امان از مصدومیت!

ماجرای مصدومیت والیبالیلم رو در قسمت بعد بخونین بی زحمت...

دیدنی ها

تایخند

- کاش قیلش به مامان و بابای بازیگرهای دیگه می گفتن برای اختتامیه کادو بگیرن برای بچه شون که موقع سیمرغ دادن به چند نفر، بغض نکنن و ناراحت نشن!
- کاش حامد بهداد سیمرغ می گرفت می اومد یه کم در باره بیسمنت و دار کنس حرف می زد!
- من منتظر بودم هوتن شکبیا بیاد رو صحنه بگه ووووی! بقیه بپر سن چی شد؟ بگه موهای تنم سیخ شد!
- من نمی دونم واقعا هیئت داوران چه خصوصی می با سیروس دین محمدی داره؟! واقعا امسال دیگه یه دونه سیمرغ حشش بود!
- سیمرغ بلورین گریه و بغض وزاری و بدبختی و سیاه بختی هم تقدیم می شود به صابر ابر!

دور دنیا

ساخت پل بتنی با استفاده از چاپگر سه بعدی



دیزین - دانشجویان معماری در پکن یک پل بتنی را با استفاده از چاپگر سه بعدی چاپ کردند. طول این پل ۲۶/۳ متر است و ۳/۶ متر عرض دارد که روی یک رودخانه کوچک در شهر شانگهای چین تنها در ۴۵ ساعت ساخته شده است.

سازندگان در این پروژه شکل طاق یک پل قدیمی ۱۴۰۰ ساله را تکرار کردند. به گفته طراحان، چاپ پل یک سوم ارزان تر از ساخت سنتی است. این پل مشکل از ۱۱۲ قطعه پرینت شده مجزای بتنی است.

سگی که صاحبش را از کما درآورد



اسپوتنیک - در سال ۲۰۱۶ «اندی ساسز» مرد ۶۵ ساله انگلیسی در بخش مراقبت های ویژه بیمارستان بستری شد و به کما ی مصنوعی رفت. پس از بهبود نسبی، پزشکان اجازه ورود حیوان خانگی این مرد را دادند که او پس از شنیدن صدای سگ، به هوش آمد و موجب شد «اندی» در کمتر از یک هفته از بیمارستان مرخص شود. صاحب این سگ می گوید: «تد، سگی شگفت انگیز است. او را از مرکز نگهداری حیوانات گرفتم. من او را نجات دادم و حالا او من را نجات داد.» این سگ پس از گذراندن دوره های آموزشی، این روزها از کمک وی در بیمارستان های انگلستان استفاده می شود.

مردی که قصد دارد ۱۸۰ سال عمر کند



آدیتی سنترال - Dave Asprey ۴۵ ساله آمریکایی از ۱۹۹۰ روی رژیم غذایی و فعالیت های ورزشی اش به صورت تخصصی کار می کند تا بتواند ۱۸۰ سال زندگی کند. او ماهانه ۱۰۰ قرص مکمل و مولتی ویتامین مصرف می کند و

تزییق سلول های بنیادی را برای جوان سازی انجام داده است. رژیم غذایی اش بسیار سخت گیرانه و با درصد کربوهیدرات پایین است و برای آرامش روان و روحیه خوب هم سال ها در هند مدیتیشن را نزد استادان آموخته است.

بزرگ ترین جشنواره مجسمه های یخ و برف در جهان

وجود می آورد. هر بلوک استفاده شده حدود ۷۵۰ کیلوگرم وزن دارد و حدود ۱۳۰ هزار کیلوگرم بلوک یخی به محل این جشنواره منتقل شده است. مجموعه جشنواره بیش از ۱۵۰ هکتار وسعت دارد و گروه برگزار کننده بیش از ۲۰ روز برای ساخت ۲۰۱۹ آدم برفی وقت صرف کرده است.

یخ و برف بیندازند. در سال ۲۰۱۹، سی و پنجمین دوره این جشنواره تا پایان ماه فوریه ادامه دارد. این آثار یخی توسط هنرمندان مختلف از بیش از ۱۲ کشور دنیا با بیش از ۱۰۰ موضوع متنوع خلق شده است. با تاریک شدن هوا کل این پارک رنگی و نورانی می شود و چشم انداز زیبایی از نور و یخ به

جشنواره سالانه مجسمه های یخ و برف «هاربین» در هیلونگ جیانگ واقع در شمال شرقی چین، این شهر را به سرزمین عجایب یخ زده زمستانی تبدیل کرده است. بیش از یک میلیون بازدید کننده در طول جشنواره به این منطقه سفر می کنند تا نگاهی به سازه های عظیم ساخته شده از بلوک های بزرگ



مجموعه مجسمه های یخی در هاربین



گاردین | برج ایفل در مه، فرانسه

تفال

صنمی لشکریم غارت دل کرد و برفت

آه اگر عاطفت شاه نگیرد دستم
 رتبت دانش حافظ به فلک بر شده بود
 کرد غمخواری شمشاد بلندت پستم

دیزالو

شبی که سیمرغ ها گنج شدند



محمد علی محمد پور | طنزپرداز

«این شبی که میگم شب اختتامیه نبود. اگر شب اختتامیه بود واسه بقیه نبود. این شب فقط واسه شبی که ماه کامل شد شب بود». اصلا اجازه دهید به قول استاد بهداد basement ذهنی شما را به هم نریزم، منظورم این است که شب فقط شب فیلم خانم آبیار بود. یعنی رسمان دند به گله سیمرغ ها و همه را بردند. به هیچ سیمرغی هم نه نگفتند. اما در همین شب بعضی دوستان بودند که به بعضی سیمرغ ها نه گفتند ولی بعضی دیگر را قبول کردند. اصلا داور ها و سیمرغ ها پاک گنج شده بودند. یکی نبود بگوید: «داداش این سیمرغ ها از یک کنار است، معنی ندار دشما این یکی را بگیر یی، آن یکی را انگیری. مگر مسخره بازی است؟» که بله واقعا هم مسخره بازی بود، نه یعنی اسم فیلم «مسخره باز» بود. من واقعا خواهش می کنم اسم فیلم ها را هم عزیزان با دقت انتخاب کنند. الان شما ببینید چهار دهه به استاد نصیریان سیمرغ ندادند بعد هم که دادند درجه ۲ دادند، آن هم برای چه فیلمی؟ الان استاد نصیریان سیمرغ شان را بگذارند روی تلویزیون منزل، دوروز دیگر مهمان بیاید بگوید این سیمرغ برای چه فیلمی بوده، خب چه جوری رویشان بشود بگویند برای مسخره باز؟ اما خوشبختانه مرا اسم اختتامیه نیست به هر سال خیلی کوتاه تر و مفیدتر برگزار شد و از یک سری طول دادن های الکی و سخنرانی ها خبری نبود، البته برخلاف خود فیلم های جشنواره که بعضی شان تا ۲ ساعت و نیم هم می رسیدند. ظاهرا بعضی شان رسما تدوین نشده بودند و ممکن بود وسط فیلم ناگهان با صحنه چای خوردن عوامل پشت صحنه هم مواجه شوید که از وسط فیلم کات نشده بود. کلا این تدوین هم معضلی برای دوستان شده بود. مثلا آقای کومرث پورا احمد که فیلمش با انتقاد های زیادی روبه رو شد، همان وسط جشنواره نشستند فیلم را دوباره تدوین کردند. ایشان قصه فیلم را از حالت خطی به غیر خطی، ضربدری و هذلولی درآوردند که البته باز هم پسند نشد. عزیز من! مگر اتاق پرو است که شما می روی تدوین می کنی باز می آوری نشان می دهی؟ خلاصه آقای پورا احمد آن قدر به این کارش ادامه داد که در نهایت خوشبختانه یکی رفت کنار گوشش گفت: «استاد، مشکل اساسی تر از این حرف هاست. خواهش این قدر پلان ها را همیش زن!»

اما پس از پایان مراسم، هنوز خانم آبیار داشت سیمرغ هایش را می شمرد که در خانه شان را زدند و پرسیدند: «چه احساسی دارید؟» تا ایشان گفت: «خیلی خوشحالم!» گفتند: «پس مایک سیمرغ برداشتم». خبر رسید که سیمرغ طراحی لباس از ایشان پس گرفته شده و به فیلم «د خون» اهدا می شود تا از نظر اشتباه در جایزه دادن هم شبیه جایزه های بین المللی شویم. به هر حال برای خانم آبیار و همسرشان هم تجربه ای شد که از قدیم گفته اند: «این قدر سیمرغ هایتان را انשמارید کم می شود، دیدید که کم شد!»

یادش به خیر



این شیشه های شیر پادتنه؟ برای خریدنش باید هر صبح که هنوز آفتاب نرزه می ریزیم توی صف، نقری هم دوتا بیشتر نمی داند! ولی خیلی خوشمزه بودن، مخصوصا ناهای که سرش می بست و درهاشون رو شبیه قاشق می کردیم و ناهم رو برمی داشتیم!

ماوشما

* گزارش «به عشق ایران» عالی بود. لطفا در باره چنین افرادی که برای عشق به وطن از خیلی امتیازها و ثروت گذشتند، بیشتر بنویسید تا مردم با آن ها آشنا شوند.

محسن علی آبادی، بجنورد

* از یه جا به بعد، یه آدم دیگه تو آینه روبه روته... **مسعود مجنون پور**

* آق کمال، مخواستم ببینم اگه یک روز سر زده پیام اداره بگم با کمال جان کار درم، موره توی اداره راه مدن یانه؟ **مجید شادلو**

آق کمال: بستگی دره تو دست تان جعبه شرنی یا سطل شله باشه یا نه!

* خواستم به داداش گل و سربازم ابراهیم بگم که آرزومه او و همه سربازهای وطن با تندرستی خدمتشون رو تموم کنن. **آرمین**

* ای شهیدان خفته در خاک، ای جوانان برومندی که شجاعانه رفتید به جنگ دشمن، ما این آرامش را از شما داریم، برای پسر عموی شهیدم و همزمانش که عاشقانه

جان دادند. **نسرین اباذریان**